



معانی عرفی و عقلی؛ تنها معانی قابل انتساب به قرآن کریم

عضو هیئت علمی دانشگاه قم اظهار کرد: اگر پیش‌فرض‌های مفسر منقح نباشد، این امر بر تفسیر او تأثیر می‌گذارد...

عضو هیئت علمی دانشگاه قم اظهار کرد: اگر پیش‌فرض‌های مفسر منقح نباشد، این امر بر تفسیر او تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین تنها معنایی را می‌توان به قرآن نسبت داد که عرفی (یعنی عرب عصر نزول آن معنا را شناخته باشد) و یا عقلی باشد (یعنی با آن فهم عرفی ملازمه عقلی داشته باشد).

جعفر نکونام، عضو هیئت علمی دانشگاه قم

جعفر نکونام، عضو هیئت علمی دانشگاه قم و نویسنده کتاب «#171؛ درآمدی بر معناشناسی قرآن»؛ در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، در پاسخ به این سؤال که آیا فاصله زمانی مفسر با زمان پدید آمدن اثر بر فهم مراد مؤلف تأثیر دارد؟ اظهار کرد: بی‌تردید هر نوع ذهنیتی که افراد داشته باشند، در فهم معنای متن تأثیر دارد؛ اما این‌گونه نیست که انسان مانند ماشین منفعل باشد و از خود اختیار و قدرت‌گزینش نداشته باشد. انسان از قدرت انتخاب برخوردار است و می‌تواند برخی از گزاره‌ها را مورد اتکاء قرار داده و برخی دیگر را کنار نهد.

قرائن فهم مراد الهی

وی با بیان این‌که ما باید برای فهم قرآن ذهنیت‌ها و دانش‌هایی را که در عصر نزول وجود داشته، مورد مطالعه قرار دهیم نه آن ذهنیت‌ها و دانش‌هایی که در اعصار دیگر پدید آمده است، افزود: قرائن فهم مراد الهی عبارتند از سیاق آیات، زمان و مکان و شرایط و فضای نزول و مخاطبان آیات و بستری که قرآن در آن نازل شده است و اگر ما به این قرائن مراجعه کنیم، قرآن را به خوبی درک خواهیم کرد.

نکونام با تأکید بر این‌که ما وقتی ذهنیت‌ها و دانسته‌های پدید آمده بعد از عصر نزول را مورد بهره‌برداری قرار ندادیم، از تأثیر آنها و فروغلتیدن در تفسیر به رأی در امان هستیم، ادامه داد: اگر مشاهده می‌کنیم که دانسته‌ها و دانش‌های مفسران در تفسیر آنها تأثیر دارد، به جهت آن است که پیش‌فرض‌های آنها منقح نیست و تلقی آنان این است که مخاطب قرآن خود او یا مردم معاصر اوست.

تنها معنای عرفی و عقلی را می‌توان به قرآن نسبت داد

نویسنده کتاب «#171؛ درآمدی بر معناشناسی قرآن»؛ تصریح کرد: تلقی آن دسته از مفسران این است که هر معنایی را می‌توانیم به قرآن نسبت دهیم؛ در حالی‌که تنها معنایی را می‌توان به قرآن نسبت داد که یا عرفی باشد (یعنی عرب عصر نزول آن معنا را شناخته باشد) و یا عقلی باشد (یعنی با آن فهم عرفی ملازمه عقلی داشته باشد).

این محقق و پژوهشگر در توضیح این مطلب اظهار کرد: برای مثال در قرآن خطاب به مسلمانان مدینه که پس از انجام مناسک حج، به جای ورود از در خانه‌های خود، پشت خانه را سوراخ کرده و وارد می‌شدند، آمده است که: «#171؛ وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَاعِهَا؛ به خانه‌ها از در [ورودی] آنها درآیید»؛ (بقره/189). معنای عرفی این آیه این است که از در خانه‌هایتان وارد شوید و ما اگر همین معنا را به این آیه اسناد دهیم، درست است.

وی اضافه کرد: معنای عقلی آیه فوق این است که غرض اصلی موجود در ورای این آیه را مورد توجه قرار دهیم و بپرسیم که خداوند

چرا چنین امری را خطاب به آنان فرموده است؟ پس از تنقیح مناط، به این نتیجه خواهیم رسید که خداوند در واقع به آنان فرموده که کار عقلایی انجام دهند و کار نابخرانه و زیان‌آور و مضر انجام ندهند. این معنا، لازمه غیر بین این آیه است و ما می‌توانیم آن را با يك استدلال به این آیه اسناد دهیم.

این تلقی که در قرآن آیات متشابه وجود دارد که مردم آنها را نمی‌فهمند، ناصواب است. خداوند در این آیات برای تقریب به ذهن و فهماندن مقصود، حقایق اخروی را به حقایق دنیوی تشبیه و به صورت مجاز بیان کرده است. وی در ادامه سخنان خود تصریح کرد: اما آنچه را که بر مبنای عرفان، فلسفه یا علوم به آیات قرآن نسبت داده می‌شود و ربط عرفی و عقلی به آیه ندارد، نمی‌توانیم به قرآن نسبت دهیم. تبادل معانی عرفانی و فلسفی و علمی در مواجهه با آیات قرآن از قبیل تداعی معانی است و انتساب آنها به آیات قرآن، تفسیر به رأی و افترا بر کلام الهی به شمار می‌رود که ممنوع و حرام است.

عمده‌ترین خطاهای نواندیشان دینی در مواجهه با مباحث هرمنوتیک

عضو هیئت علمی دانشگاه قم در پاسخ به این سؤال که عمده‌ترین خطاهای نواندیشان دینی در مواجهه با مباحث هرمنوتیک و ورود آنها به عالم اسلام چه بوده است؟ بیان کرد: نمی‌توان گفت که همه مباحثی که درباره هرمنوتیک در غرب گفته شده، باطل است؛ چنان که درباره مباحث تفسیری و علوم قرآن نیز نمی‌توان گفت که همه آنچه که عالمان مسلمان بیان کرده‌اند، حق است.

وی افزود: باید با منطق به ارزیابی دیدگاه‌ها و نظریات پرداخت و اگر گزاره‌های مورد استناد هرمنوتیست‌ها یا مفسران اسلامی به لحاظ ماده و صورت صحیح باشد، باید گفت که آنها حقند، وگرنه باطلند. گزاره‌های حق آن است که بدیهی یا منتهی به بدیهی و مدلل باشد و نیز صورت استدلال بر آنها درست بوده و قدر جامعی میان این گزاره‌های مورد استدلال وجود داشته باشد.

هرمنوتیک و پیش‌فرض‌های ذهنی

این محقق و قرآن‌پژوه تصریح کرد: از جمله لغزش‌های هرمنوتیست‌ها این است که مفسر نمی‌تواند از قید پیش‌فرض‌های خود رهایی پیدا کند و لذا هر متنی را همان گونه می‌فهمد که پیش‌فرض‌هایش اقتضاء کرده است؛ در حالی که چنین نیست و انسان بسان يك ماشین نیست که وقتی اطلاعات خاصی به درون ذهن او ریخته شود، به طور اجتناب‌ناپذیری محصول خاصی تولید کند. انسان مختار است که از میان اطلاعات ذهنی اش، برخی را برگزیند و برخی را هم کنار نهد.

وی در پاسخ بخ این سؤال که راهکار یا راهکارهای اندیشمندان مسلمان در کاهش پیش‌فرض‌ها در فهم معنای متن قرآن چیست؟، ادامه داد: اندیشمندان مسلمان برای تفسیر یا تأویل صحیح آیات قرآن شروطی را قرار داده‌اند؛ نظیر این‌که شاهی از لغت داشته باشد یا حدیثی آن را تأیید کند و یا با ادله معتبر معارضت نداشته باشد.

تأویل و تفسیر

نویسنده کتاب [#171؛ درآمدی بر معناشناسی قرآن](#)؛ افزود: تلقی بسیاری از آنان این است که اگر این شروط رعایت شود، هیچ اشکالی ندارد که از دانش‌های بشری برای تفسیر یا تأویل آیات قرآن بهره‌برداری شود؛ بنابراین به نظر آنان هیچ اشکالی ندارد که آنها به عنوان پیش‌فرض‌های فهم قرآن آنان مورد اتکاء قرار بگیرند.

نکونام عنوان کرد: اما من نگاه دیگری به تأویل دارم و اساساً تأویل قرآن را به معنای حمل قرآن بر هر معنایی که آن را صحیح می‌دانیم یا حدیثی با آن موافق است یا دلیل معارضی ندارد، درست نمی‌دانم. به باور من، تأویل به معنای برگرداندن عبارت به معنای خلاف ظاهر، تفسیر به رأی است؛ به جهت آن که متکلم اگر بخواهد القای مقصود کند، باید همان معنای ظاهر (و نه معنای خلاف آن) را اراده کند.

تبادل معانی عرفانی و فلسفی و علمی در مواجهه با آیات قرآن از قبیل تداعی معانی به شمار می‌رود و انتساب آنها به آیات قرآن، تفسیر به رأی و افترا بر کلام الهی به شمار می‌رود که ممنوع و حرام است.

وی افزود: در تعریف ظاهر گفته‌اند که آن عبارت است از معنایی که به ذهن تبادل می‌یابد و سبقت می‌جوید. متکلم در يك کلام فصیح و بلیغ باید از الفاظ و تعابیر خود همان معنایی را اراده کند که به ذهن مخاطبان تبادل می‌یابد و سبقت می‌جوید و اراده خلاف آن محل فصاحت و بلاغت دانسته می‌شود.

نکونام تصریح کرد: تبادل و ظهور هم در حقیقت است و هم در مجاز. برای مثال وقتی گفته می‌شود که [#171؛ شیر در جنگل است](#)؛، شیر در معنای حقیقی اش یعنی حیوان درنده تبادل و ظهور دارد و همان باید مراد متکلم است. اما وقتی گفته می‌

شود، «فلانی شیر است؛ شیر در معنای مجازی اش تبادر و ظهور دارد و همان باید مراد متکلم باشد. بنابراین در هیچ يك از دو گزاره مذکور، هرگز معنای خلاف ظاهر مراد نیست.

این محقق و قرآن‌پژوه تصریح کرد: این تلقی که در قرآن آیات متشابه وجود دارد که مردم آنها را نمی‌فهمند، ناصواب است. خداوند در این آیات برای تقریب به ذهن و فهماندن مقصود، حقایق اخروی را به حقایق دنیوی تشبیه و به صورت مجاز بیان کرده است. بشر در دنیا اموری مثل باغ، عسل، معین (شراب) و... را می‌شناخته و خداوند برای این‌که به او بفهماند که جهان و حقایق دیگری وجود دارد، این الفاظ را با قرائن صارفه یعنی به طریق مجاز برای بیان آن حقایق به کار برده است.

وی با ارائه مثالی از قرآن کریم در اثبات این مطلب افزود: برای مثال قرآن می‌فرماید: «وَجَتِّعْرِضُهَا كَعْرِضِ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ؛ و باغی که پهنایش به پهنای آسمان و زمین یعنی سراسر هستی است؛(حدید/21) یا فرموده است: «وَ كَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ لَا يُصَدِّعُونَ عَنْهَا وَ لَا يُنْزِفُونَ(واقعه/18-19)؛ و پیاله‌هایی از باده ناب روان [که] نه از آن دردسر گیرند و نه بی‌خرد گردند؛.

عضو هیئت علمی دانشگاه قم در پایان خاطرنشان کرد: ما باید همان ظاهر معنا و معنای آشکاری را که به ذهن متبادر می‌شود، بگیریم. همان معنای آشکار مراد خداست و تأویل به معنای برگرداندن الفاظ قرآن به معنایی خلاف ظاهر، کاری ناصواب و تفسیر به رأی است.